

Challenges of Policing Management of Theft Investigation in Hamadan Police Command

Seyed Saeed Kashfi¹, Davood Doagouyan², Majid Rezaei³

Abstract

Background and Aim: Improving the detection capacity and reducing the time from occurrence to discovery is one of the strategic priorities of the police. Therefore, the purpose of this study is to identify the challenges of police management of theft investigation in the police command of Hamadan province.

Methodology: The present study is applied in terms of purpose using two methods: qualitative (two-stage Delphi) and quantitative (descriptive-survey). The participants of the qualitative section included 15 experts of disciplinary management and managers of the intelligence police of Hamadan province who were selected by purposive judgment via stratified sampling method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire whose validity was calculated and confirmed by content validity and its reliability by Cronbach's alpha. To analyze the data, Kolmogorov-Smirnov tests, one-sample t-test, Friedman test and multivariate regression used.

Results: The challenges of police management of theft detection were classified into two levels: internal challenges in the two areas of preliminary stages and performing basic actions and external organizational challenges in the preliminary stages, performing basic actions and the final stage.

Conclusion: Internal organizational challenges have an important role in challenging the police management of Hamedan province in the pursuit of theft and crime detection; therefore, it is necessary that the heads and managers of the Awareness Police of Hamadan Province prioritize the reform of the internal challenges of the disciplinary management.

Keywords: Internal Organizational Challenges, External Organizational Challenges, Police Management, Criminal Investigation, Crime Detection, Theft.

1 Associate Professor, Department of Traffic Operations, Amin Police University. Tehran. Iran. (Responsible author). Email: S_s_kashfi@hotmail.com

2 Associate Professor, Department of Sociology, Amin Police University. Tehran. Iran. Email: da.doagooyan@yahoo.com

3 Graduated with a master's degree in police command and management. Amin Police University. Tehran. Iran. Email: majid.r.1196@chmail.ir

فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی

سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

صص ۷۱-۱۰۱

چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در فرماندهی انتظامی استان همدان^۱سید سعید کشفی^۱، داود دعاگویان^۲، مجید رضائی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: ارتقای توان کشف و کاهش فاصله وقوع تا کشف، از اولویت‌های راهبردی پلیس آگاهی نیروی انتظامی است که البته پلیس در این راه با چالش‌هایی مواجه است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در فرماندهی انتظامی استان همدان است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا آمیخته با استفاده از دو روش کیفی (دلفی دومرحله‌ای) و کمی (توصیفی - پیمایشی) است. مشارکت کنندگان بخش کیفی شامل ۱۵ نفر از خبرگان مدیریت انتظامی و مدیران پلیس آگاهی استان همدان بودند که با روش هدفمند قضاوتی انتخاب شدند و جامعه آماری بخش کمی نیز کارشناسان و کارکنان پلیس آگاهی استان همدان بودند که براساس جدول مورگان، ۱۶۱ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته است که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف، تی تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در دو سطح چالش‌های درون‌سازمانی در دو حوزه مراحل مقدماتی و انجام اقدامات اساسی و چالش‌های برون‌سازمانی در مراحل مقدماتی، انجام اقدامات اساسی و مرحله نهایی، دسته‌بندی شد.

نتیجه‌گیری: چالش‌های درون‌سازمانی سهم مهمی در به چالش کشیدن مدیریت انتظامی استان همدان در پی جویی سرقت و کشف جرم دارند؛ بنابراین لازم است، رؤسا و مدیران پلیس آگاهی استان همدان اصلاح چالش‌های درون‌سازمانی مدیریت انتظامی را در اولویت اقدامات خود قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: چالش‌های درون‌سازمانی، چالش‌های برون‌سازمانی، مدیریت انتظامی، پی جویی جرائم، کشف جرم سرقت.

استناد: کشفی، سید سعید؛ دعاگویان، داود؛ رضائی، مجید؛ (۱۴۰۱). چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در

فرماندهی انتظامی استان همدان، ۱۷ (۱)، صص ۷۱-۱۰۱

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی امین است.

۲. استادیار گروه عملیات ترافیک، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: S_s_kashfi@hotmail.com

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران. رایانامه: da.doagooyan@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی. تهران. ایران. رایانامه: majid.r.1196@chmail.ir

مقدمه

مدیران انتظامی مسئول پیشرفت یا بازماندن کارکنان از اهداف سازمانی هستند؛ بنابراین به دنبال برنامه‌ریزی در راستای دریافت بیشترین بازدهی هستند و برای نیل به بیشینه بازدهی در کشف جرم، انجام بهترین و مناسب‌ترین اقدام، برای تحقق اهداف را دنبال می‌کنند. از اولویت‌های راهبردی پلیس آگاهی نیروی انتظامی، ارتقای توان کشف و کاهش فاصله وقوع تا کشف جرم است. مدیریت دقیق و درست رؤسای پلیس آگاهی یا رؤسای ادارات مبارزه با سرقت، در نحوه عملکرد کارکنان در پی‌جویی و کشف سرقت تأثیر بسزایی دارد. آن‌ها با انتقال تجربیات خود و شناسایی و برطرف کردن چالش‌ها در پی‌جویی سرقت، می‌توانند عملکرد کارکنان در ارتقای کشف را افزایش دهند و بدین وسیله با افزایش بهره‌وری در نیروی انتظامی، موجب اقتدار و جلب اعتماد عمومی شوند. گاهی در پی‌جویی سرقت، پلیس به مشکلات و موانعی برمی‌خورد که با به کارگیری روش‌های گوناگون، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود و یا اینکه احتمال نیل به هدف، ضعیف شده یا زمان کشف بالا رفته و یا هزینه‌ای تحمیل می‌شود؛ بنابراین مدیر انتظامی دخیل در کشف جرم سرقت وظیفه دارد تا چالش‌های پیش‌رو را شناسایی کند و برای برطرف کردن آن‌ها و هدایت مجموعه تحت مدیریت خود، تصمیم‌گیری لازم را انجام دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا چالش‌های مدیریت انتظامی، اعم از درون و برون‌سازمان را در استان همدان بررسی کند؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چالش‌های مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت در فرماندهی انتظامی استان همدان کدام‌اند؟»

سرقت از جمله جرائمی است که دارای بالاترین فراوانی وقوع است؛ بنابراین در مدیریت انتظامی، پی‌جویی جرم سرقت برای کشف و دستگیری سارق از چند جنبه مورد توجه است: نخست اینکه تولید ادبیات نظری در خصوص موضوع پژوهش، می‌تواند مورد استفاده کارآگاهان و کارشناسان پلیس آگاهی و یا مدیران انتظامی قرار گیرد. دوم اینکه شناسایی و برطرف کردن چالش‌های پی‌جویی سرقت با ارائه راهکارهای عملی و مناسب، موجب کاهش زمان لازم برای دستیابی به هدف مدنظر

(کاهش فاصله زمان وقوع تا کشف) و در نتیجه رضایت شهروندان و کارکنان و همچنین کاهش هزینه‌های سازمان می‌شود. در صورتی که همچنان به این موضوع پرداخته نشود و چالش‌ها شناسایی نشود، پلیس نمی‌تواند با سرعت و دقت جرم سرقت را کشف کند و حتی نمی‌تواند برای پیشگیری نیز برنامه‌ریزی کند. همچنین صرف هزینه‌های مادی و وارد شدن فشار روانی به کارکنان دخیل در پی جویی سرقت، در کنار مشکلات مدیران انتظامی در حوزه‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل، نظارت و تصمیم‌گیری، دستیابی به اهداف سازمانی را کمتر خواهد کرد.

پیشینه و مبانی نظری

بیابانی و ستوده گندشمین (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «الگوی ارتقای توان مدیریت جرم سرقت با رویکرد اطلاعات جنایی» دریافتند که الگوی مورد نظر شامل سه بُعد زیر است: ۱- افزایش توان پیشگیری سارق محور؛ ۲- افزایش توان پیشگیری مالباخته محور و ۳- افزایش توان پی‌جویی. رتبه‌بندی عوامل متغیر افزایش توان مدیریت سرقت نشان می‌دهد که تأثیر پیشگیری سارق محور در رتبه اول و کارکرد تشدید اقدامات پایش علیه جمعیت سارقان و مالخران، به‌عنوان مؤثرترین شاخص اثرگذار بر مدیریت سرقت است.

یزدانی و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای به منظور شناسایی کانون جرم خیز سرقت در شهر اردبیل، الگوی پراکنش فضایی جرائم سرقت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که الگوی پراکنش فضایی محل وقوع جرائم سرقت به صورت خوشه‌ای بوده و بیشتر جرائم ارتكابی در جهات جغرافیایی شمال‌غربی و جنوب‌شرقی شهر اردبیل رخ داده است. استفاده از تحلیل لکه‌های داغ نشان داد که اکثر جرائم سرقت در محدوده داخلی کمربندی اول شهر اردبیل به وقوع پیوسته و این محله‌ها که به صورت نقاط داغ مشخص شده‌اند را می‌توان «کانون‌های جرم خیز سرقت شهر اردبیل» نامید. همچنین مشخص شد بین محله‌های مختلف شهر از نظر میزان وقوع جرائم سرقت، خودهمبستگی فضایی معنی‌دار وجود دارد. به این صورت که محله‌ها با میزان بالای جرم‌خیزی به‌طور معنی‌داری در خوشه‌های مجاور هم متمرکز شده‌اند.

اصانلو و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای «چالش‌های تعاملی پلیس و شهرداری در پیشگیری اجتماعی از سرقت منزل» را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه فرماندهان نیروی انتظامی و مدیران شهرداری را در خصوص این چالش‌های مقایسه کرده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در بیشتر چالش‌های تعاملی، ناجا و نهاد شهرداری در مدیریت پیشگیری از سرقت منزل اختلاف‌نظری ندارند و در نهایت این پژوهشگران نتیجه گرفتند که در حوزه‌های تعاملی پلیس و شهرداری به لحاظ نظری اختلاف دیدگاه میان مدیران این دو سازمان وجود ندارد؛ بنابراین ضرورت عملیاتی کردن راهبردهای تعاملی در این زمینه آشکار به نظر می‌رسد.

منفرد (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های ساختاری نیروی انتظامی در مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا» نقش هر یک از چالش‌های نیروی انتظامی در مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا را با هدف بهره‌گیری از قوت‌ها و مبارزه با ضعف‌ها در نیروی انتظامی در توسعه شاخص‌های مطلوب برای رسیدن به اهداف اقتصادی و سند چشم‌انداز دولت و رسیدن به تداوم مقام معظم رهبری بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داده است که بین قوانین و مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا رابطه وجود دارد؛ بین تجهیزات و مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا رابطه وجود دارد و بین منابع انسانی و مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا رابطه وجود دارد.

حسین‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «بررسی نقش فناوری‌های جدید در افزایش کشف جرائم پلیس آگاهی (مطالعه موردی: جرائم خشن استان خوزستان با تأکید بر سرقت‌های مسلحانه سال ۹۳)» با هدف شناخت نقش فناوری‌های جدید در افزایش کشف جرائم به این نتایج رسید که عوامل فناوری ارتباطات با ۴۱/۲۸ درصد، فناوری اطلاعات با ۳۹/۸۵ درصد و ابزارهای جدید با ۳۱/۷۳ درصد، به ترتیب اولویت، عوامل تأثیرگذار بر افزایش سطح کشفیات پلیس آگاهی استان خوزستان هستند.

گرافی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی پلیس آگاهی در کشف خودروهای مسروقه» به این نتایج رسید که سطح تخصص کارآگاهان با ضریب ۰/۳۷۵ دارای بیشترین تأثیر، مهارت کارآگاهان با ضریب ۰/۲۰۵ و آموزش

کار آگاهان با ضریب ۰/۱۸۹ به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارد و انگیزه کار آگاهان با ضریب ۰/۱۲۳ فاقد تأثیر معنادار در توانمندسازی پلیس آگاهی در کشف خودروهای مسروقه است.

هرامی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های پلیس آگاهی در مبارزه با جرائم اقتصادی»، به این نتایج رسید که می‌توان چالش‌ها را بدین صورت بیان کرد: فقدان تعریف مشخص از جرائم اقتصادی در قوانین کشور، وجود خلأهای قانونی، تعدد سازمان‌های مبارزه‌کننده با جرائم اقتصادی، تعادل نامناسب بین سازمان‌های مبارزه‌کننده و نبود یک ساختار و سازمان مستقل با اختیارات قانونی به‌عنوان متولی مبارزه با جرائم اقتصادی.

شش یگانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با موضوع «تأثیر تکنیک‌های نوین بازجویی بر فرایند کشف جرائم در حوزه سرقت وسائط نقلیه، مورد مطالعه پلیس آگاهی تهران بزرگ» به این یافته‌ها رسید که هر یک از تکنیک‌های پنج‌گانه «منطق و استدلال»، «مطالعه سوابق»، «اوراق بازجویی»، «شکستن مقاومت» و «تخریب»، به‌طور معناداری بر فرایند کشف جرائم در حوزه سرقت وسائط نقلیه در شهر تهران تأثیر دارد و ترتیب اثرگذاری آن شامل اوراق بازجویی، شکستن مقاومت، مطالعه سوابق، منطق و استدلال و تخریب است.

بهمنش (۱۳۸۴)، در پژوهش خود با عنوان «عوامل سازمانی مؤثر انتظامی در کشف سرقت از منازل ارومیه» که با هدف شناخت عوامل درون‌سازمانی اثرگذار انتظامی در کشف سرقت از منازل انجام شد به این نتایج رسید که تخصص، استفاده از ابزار فنی و آزمایشگاهی و استفاده بیشتر از بانک‌های اطلاعات مجرمان، بر میزان کشف سرقت تأثیر دارد و از طرفی تناسب نیروی انسانی، میزان کار و آشنایی کارکنان با فنون مصاحبه و بازجویی با میزان کشف رابطه معناداری دارد.

موریرا و سیکاتو^۱ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای به بررسی چگونگی انتقال سرقت از ایستگاه‌های مترو به محیط مجاور ایستگاه و برعکس پرداختند. نتایج تحلیل داده‌های پلیس نشان داد که در مناطق جرم‌خیز، جرم سرقت از مناطق اطراف به داخل ایستگاه سرایت می‌کند و در برخی از ایستگاه‌ها مترو نیز در ساعات غیر پیک جریان انتقال جرم برعکس است و از داخل ایستگاه به محیط اطراف ایستگاه سرایت می‌کند؛ از این رو پیشنهاد کردند که تعامل و همکاری بهتر بین پلیس مسئول امنیت در مناطق اطراف ایستگاه و کارکنان امنیت مترو می‌تواند در پیشگیری از بروز سرقت مؤثر باشد.

چنگ و لانگ^۲ (۲۰۱۸)، به منظور بهبود خدمات پلیس، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حضور پلیس در پیشگیری از جرم در محله فرانسوی نیواورلئان پرداختند. نتایج مطالعه این پژوهشگران نشان داد که حضور نیروهای ویژه در محله مورد مطالعه موجب کاهش ۳۷/۴ درصد زورگیری‌ها، ۱۶/۹ درصد درگیری‌ها و ۱۳ درصد سرقت‌ها می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهشگران نشان داد که استفاده صحیح از راهبرد نظارت و تشویق می‌تواند خدمات پلیس را بیشتر بهبود بخشد.

ها و همکاران^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش «الگوی مدیریت مقایسه‌ای فضای ایمن و غیرایمن منازل» که جامعه آماری آن شامل ساکنان مناطق ایمن و غیر ایمن به تعداد ۱۵۴۸ نفر است، استنتاج می‌کنند که پیشگیری از جرم مستلزم هر نوع طراحی برای کاهش سطوح واقعی جرم و یا ترس از جرم است. این اقدامات تنها به تلاش‌های دستگاه قضایی و پلیسی محدود نمی‌شود بلکه شامل حوزه عمومی و خصوصی است.

جمع‌بندی پژوهش: در پژوهش‌های صورت گرفته و اشاره شده در بالا، نقش عوامل مؤثر در افزایش کشف جرائم مورد بررسی قرار گرفته است؛ عواملی نظیر تخصص و مهارت کارکنان، آموزش، استفاده از تکنیک‌های بازجویی، بانک‌های اطلاعاتی، تجزیه و تحلیل اطلاعات، اقدامات فنی و مخابراتی، بانک اطلاعات مجرمان، فناوری‌های

1. Moreira & Ceccato

2. Cheng & Long

3. Ha, Oh, & Park

نوین، ابزار فنی آزمایشگاهی، عوامل عملیاتی، ساختار سازمانی و سبک مدیریت. تفاوت پژوهش های پیشین با پژوهش حاضر در این است که موارد به کار گرفته شده در امر پی جویی و مؤثر در کشف جرائم مورد بررسی قرار گرفته؛ اما درباره چالش های پیش روی نیروی انتظامی در مبارزه با سرقت تحقیق نشده است.

پی جویی عبارت است از: اقداماتی که به منظور کشف جرم از لحظه اطلاع یا اعلام شاکی یا مدعی خصوصی یا خبردار شدن مالباخته از وقوع جرم سرقت تا لحظه پایان و کشف (ارائه گزارش، جمع آوری ادله، ارسال پرونده به مرجع قضایی برای صدور حکم و مانند آن) صورت می پذیرد. از نظر پلیسی برگشت مال به مالباخته، جزو مراحل پی جویی است، اما از نظر قوه قضائیه، دستگیری متهم جزو مراحل پی جویی است (دعاگویان و سواری پور، ۱۳۹۵). در روش سنتی پی جویی جرائم، استفاده از تجربیات کارکنان باتجربه، همچنان ادامه دارد. به کارگیری تجزیه و تحلیل جرائم در پیشگیری و کشف جرائم کاربرد دارد؛ بدین صورت که افسر پی جو با انجام تجزیه و تحلیل جرم، در فرایند پی جویی به اطلاعات باارزشی دست پیدا خواهد کرد. منظور از تجزیه، همان بررسی و مقایسه آماری است که افسر پی جو با ارزیابی آماری از وقوع، کاهش یا افزایش جرم مطلع می شود و براساس آن برنامه ریزی و تصمیم می گیرد. منظور از تحلیل جرم این است که ابتدا نوع جرم مشخص می شود، سپس شیوه و شگرد ارتکاب آن و زمان و مکان وقوع آن باید مشخص شود تا با ارزیابی از جرم واقع از نظر سیمای قربانی جرم (مالباختگان)، رفتار مجرمانه سارق، قصد و نیت سارق، وسایل و ابزار یا وسیله نقلیه مورد استفاده وی و مانند آن اطلاعاتی به دست می آید که در فرایند پی جویی در راستای کشف، شناسایی و دستگیری متهم مفید است. در روش دیگری که از طریق تشکیل واحدهای تخصصی و گروه های عملیاتی، پی جویی جرائم انجام می شود، چهار دلیل اصلی وجود دارد؛ نخستین دلیل این است که جرم تخصصی این واحدها، جرمی جدی است و مستلزم تجربه و تخصصی است که در واحدهای معمولی پلیس یافت نمی شود. دومین دلیل این است که واحدهای تخصصی می توانند پیشگیرانه تر عمل کنند و در مقایسه با واحدهای غیر تخصصی، امکان نفوذ در ساختار شبکه های مجرمان را دارند.

سومین دلیل تشکیل واحدهای تخصصی، سرعت عمل و انعطاف‌پذیری آن است که امکان فعالیت فراتر از مرزها و توانایی‌های شناخته‌شده و مرسوم پلیس را فراهم می‌آورد. چهارمین دلیل نیز توانایی این واحدها در گردآوری شواهد و ادله محکم علیه مجرمان و ایجاد امکان محکومیت قطعی مجرمان است (امینی و صالحی، ۱۳۹۴).

استفاده از منابع و مخبرین، یکی از روش‌های مؤثر در روند کشف و پی‌جویی جرائم است. از مدارک و ادله تصویری و مدارک و ادله جنایی نیز در روند پی‌جویی و کشف سرقت می‌توان استفاده کرد. این ادله ممکن است شامل اثر خون، اثر انگشت متهم یا حتی آب دهان متهم و ته سیگار وی باشد؛ بنابراین، در جرائم خشن، به‌ویژه سرقت‌های مسلحانه و برای شناسایی و دستگیری سارقان بانندی، بررسی و بازرسی صحنه جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صحنه جرم، منبعی قوی برای جمع‌آوری مدارک و ادله جنایی محسوب می‌شود؛ بنابراین، حفظ و نگهداری آن بسیار مهم است. پس از بررسی‌های انجام‌شده توسط اکیپ بررسی صحنه جرم، ادله به‌دست‌آمده را با بانک‌های اطلاعاتی تطبیق می‌دهند. حتی ممکن است پس از دستگیری مظنونان برای اثبات جرم نیز از آن‌ها استفاده کنند (محمدزاده و یآوری، ۱۳۹۸). تجهیزات به‌روز و ابزار و فناوری جدید از دو طریق به کمک نیروهای پلیس آمده است تا بتوانند با استفاده از آن‌ها با جامعه مجرمان به‌ویژه سارقان مبارزه کنند. ابزار و وسایل جدیدی که در عملیات اجرایی و قسمت‌های مربوط به آن، پلیس را یاری می‌کند شامل سامانه‌های رایانه‌ای است که سازمان را در کشف جرم، دستگیری مجرمان و پیدا کردن مال مسروقه مساعدت می‌کند (هاتفی اردکانی، ۱۳۸۴، ۵۳). استفاده از توانمندی‌های مرکز تشخیص هویت (پلیس علمی) مانند آزمایش دی.ان.ای، و میکروسکوپ الکترونی که قدرت بزرگ‌نمایی و تفکیک عناصر را تا چند صد برابر دارد در اسلحه‌شناسی جنایی، جعل، بررسی آثار و مانند آن، کمک‌های شایان توجهی می‌کند و موجب تحول در کشف علمی جرائم در ایران شده است (هاتفی اردکانی، ۱۳۸۴، ۵۷).

نظریه‌های بزهکاری^۱:

نظریهٔ میلر: میلر^۲ در مورد بزهکاری اجتماعی چنین می‌گوید: «در مورد دسته بزهکاری (باید گفت) که سیستم فرهنگی که مستقیم‌ترین نفوذ را بر رفتار اعمال می‌کند، همان سیستم فرهنگی طبقهٔ پایین است، سیستمی است با حکومت طولانی و به‌طور متمایز شکل گرفته و دارای همبستگی مخصوص به خود، نه اینکه بگوییم که خرده فرهنگ بزهکاری که در حل تعارض با فرهنگ متوسط به‌وجود آمده و به تخطی از هنجارهای طبقهٔ متوسط عاملان جهت دارد؛ بنابراین اعضای دسته‌های بزهکاری در پی واژگون کردن ارزش‌های طبقهٔ متوسط نیستند بلکه آن‌ها در پی قائم گذاشتن ارزش‌های خویش هستند» (میاموتو^۳، ۲۰۱۷). از نظر میلر «طریق زندگی طبقهٔ پایین» به‌وسیله مجموعه‌ای از علائق اساسی مشخص می‌شود که این علائق حوزه‌هایی از مسائلی است که مستلزم توجه مداوم و میزان بالایی از درگیری عاطفی است و این علائق را سرسختی، دردسر، زرنگی، تهیج، استقلال و سرنوشت می‌نامند. مثال وی در ارتباط با دردسر حوادث جنسی، دزدی، دعوا کردن، و مستی است و دوری از دردسر یا جدا بودن از آن مسئله عمده جهت طبقهٔ پایین است. از طرف دیگر این طبقه به سرنوشت معتقدند آن‌ها اکثراً پیروزی یا باخت را به سرنوشت و قسمت نسبت می‌دهند تا کوشش‌های خودشان. آن‌ها به استقلال به دلیل نفرت از کنترل‌های خارجی عمل می‌کنند به‌طوری که میلر به این علایق طبقهٔ پایین می‌پردازد تا نتیجه بگیرد که حاصل این امر یک سیستم فرهنگی است که به‌وضوح بین طبقهٔ پایین و طبقهٔ متوسط و بالا مرز می‌گذارد (میاموتو^۴، ۲۰۱۷).

نظریهٔ محرومیت نسبی^۵: برای مدت‌ها تفکر غالب این بود که تفاوت شکاف درآمدی بین فقیر و غنی باعث ایجاد فشار و در نتیجه بزهکاری می‌شود. وقتی تبعیض و تفاوت

1. Delinquency
2. Miller
3. Miyamoto
4. Miyamoto
5. Relative Deprivation theory

بین دارا و ندار زیاد باشد، حسادت به وجود می‌آید که واکنش پرخاشگرانه را سبب می‌شود. بر طبق رویکرد محرومیت نسبی حس جمعی بی‌عدالتی اجتماعی مستقیماً به نابرابری درآمد مربوط است که در اجتماعات یا ملت‌هایی که زندگی دارا و ندار به یکدیگر وابسته است به وجود می‌آید. مفهوم محرومیت نسبی به وسیله جامعه‌شناسانی چون پیتربلاو و جودیت بلاو^۱ مطرح شده است که مفاهیمی از تئوری آنومی را با یافته‌هایشان در مدل بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب کرده‌اند (بورراستون و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

نظریه پردازان این تئوری معتقدند که مردم دست به مقایسه بین خود و امکانات طبقه بالاتر می‌زنند و از این نظر محرومیت نسبی برای همه به وجود می‌آید و دست زدن به اعمال غیرقانونی برای رسیدن به سطح بالاتر به وجود می‌آید. نظریه محرومیت نسبی بیان می‌کند افرادی که در مناطق حاشیه‌ای شهر زندگی می‌کنند و راهی برای ارضای نیازهای بنیادی خود نمی‌یابند، مرتکب جرائمی مانند دزدی و تجاوز می‌شوند. البته محرومیت نسبی محدود به طبقات پایین نیست و افراد ثروتمند هم زمانی که در رسیدن به اهداف و آرزوهای خود ناکام می‌مانند، خصوصاً زمانی که دستاوردهای خودشان را با دستاوردهای موفقیت‌آمیز قشر بالاتر از خود مقایسه می‌کنند احساس محرومیت و ناکامی می‌کنند و احتمال دارد از وسایل غیرقانونی برای دستیابی به هدف‌های موردنظرشان استفاده کنند (بورراستون و همکاران^۳، ۲۰۱۹).

نظریه مدل شیوه و سبک زندگی: این نظریه به گات فردسن^۴ و هیندلانگ^۵ منسوب است. به طور خلاصه آن‌ها در پی فهم این بودند که چرا برخی گروه‌های خاص از مردم بیش از دیگران در خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. پاسخ آن‌ها این بود که شیوه زندگی افراد به نرخ‌های متفاوت مجرم‌زایی می‌انجامد. این شیوه‌های زندگی به وسیله

-
1. Peter & Judith Blau
 2. Burraston et al.
 3. Burraston et al.
 4. Gottfredson
 5. Hindelang

فعالیت‌های روزانه (کاری و تفریحی) شکل می‌گیرد. طبق این نظریه، هر قدر یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد؛ یعنی فعالیت‌های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد احتمال بزه‌دیده شدن او بیشتر است. هرچقدر یک شخص با افراد بزهکار یا با محیط‌های مجرمانه یا محیط‌های خطرناک یا در زمان‌های خطرناک بیشتر رفت و آمد کند، امکان بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهد. کسانی که در مرکز شهر زندگی می‌کنند نسبت به کسانی که در محله‌های دور دست زندگی می‌کنند بیشتر احتمال بزه‌دیدگی دارند. جوان‌ها برخلاف تصور ما که بیشتر مجرم می‌شوند، اتفاقاً به دلیل شیوه زندگی بازتری که دارند، امکان بزه‌دیدگی‌شان بیشتر است، زیرا در مقایسه با افراد مسن شیوه و مدل زندگی آن‌ها براساس فعالیت است و نه براساس انفعال. نظریه مدل زندگی در واقع چنین وانمود می‌کند که مردان (ترجیحاً جوان و ترجیحاً مجرد و ترجیحاً شهرنشین و بیکار یا کم‌درآمد) بیشتر در معرض بزه‌دیدگی هستند. بزهکاران، این سبیل‌ها را انتخاب می‌کنند. افراد مسن کمتر بزه‌دیده می‌شوند چون شیوه زندگی آن‌ها بسته‌تر و محتاطانه‌تر است. همچنین است وضع زنان، زیرا آن‌ها می‌دانند که سبیل جرم هستند؛ بنابراین بیشتر احتیاط می‌کنند؛ به عبارت دیگر، شیوه‌های زندگی به وسیله سه عامل پایه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد:

نقش‌های اجتماعی که به وسیله مردم در جامعه ایفا می‌شود؛ مثلاً جوانان احتمال بیشتری برای بزه‌دیدگی را دارند زیرا دارای نقش‌های اجتماعی هستند که نیازمند فعالیت‌های اجتماعی پیاپی در خارج از منزل به‌ویژه شب است. موقعیت در ساختار اجتماعی: هرچه یک فرد از موقعیت بالاتری برخوردار باشد، خطر بزه‌دیدگی او پایین‌تر است و این به دلیل نوع فعالیت‌هایی است که فرد انجام می‌دهد و مکان‌هایی است که در آن رفت‌وآمد می‌کند.

سومین عامل، «جزء عقلانی» است که در آن، تصمیمات در مورد اینکه چه رفتارهایی مطلوب است گرفته می‌شود؛ مثلاً جوانان با انتخاب درگیر شدن در فعالیت‌های با سطح خطر بالا مانند رفتن به باشگاه‌های شبانه، احتمال بزه‌دیدگی خویش را افزایش می‌دهند (حسینی و صفری، ۱۳۹۴).

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی است. رویکرد پژوهش ترکیبی یا آمیخته^۱ است و به ترتیب مراحل مطالعه کیفی^۲ (نظرسنجی دلفی) و مطالعه کمی^۳ (توصیفی - پیمایشی) را دربر می‌گیرد. جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۵ تن از خبرگان مدیریت انتظامی و مدیران پلیس آگاهی مرکز استان همدان است که در مرحله نظرسنجی دلفی با روش هدفمند قضاوتی انتخاب شدند. جامعه آماری بخش کمی پژوهش، شامل کارشناسان و کارکنان پلیس آگاهی استان همدان هستند که براساس جدول مورگان، ۱۶۱ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای^۴، انتخاب شدند. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد و در مرحله کمی براساس نتایج حاصل از مصاحبه، از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. داده‌های گردآوری شده در دو قسمت توصیف داده‌ها و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها تحلیل شد. با انجام آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، با توجه به اینکه همه آزمون‌ها معنادار نبود، نرمال بودن داده‌ها و وضعیت به کارگیری نوع آزمون مشخص و از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد و با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای فرضیه‌های پژوهش تحلیل شدند. با استفاده از آزمون فریدمن اولویت هر یک از مؤلفه‌های اصلی شناسایی و در نهایت با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره میزان تأثیر هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته ارزیابی شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بخش کیفی پژوهش شامل ۱۵ تن از نخبگان انتظامی براساس سه متغیر درجه، سنوات خدمت و جایگاه شغلی در جدول ۱ درج شده است.

1. Mixed method
2. Qualitative
3. Quantitative
4. Stratified sampling

جدول ۱. خلاصه ویژگی های جمعیت شناختی بخش کیفی (n=۱۵)

متغیر	طبقه بندی	فراوانی	درصد
درجه	سرگرد	۲	۱۳
	سرهنگ دوم	۴	۲۷
	سرهنگ	۹	۶۰
سنوات خدمت	۱۵ تا ۲۰ سال	۲	۱۳
	۲۰ تا ۲۵ سال	۶	۴۰
	بالای ۲۵ سال	۷	۴۷
جایگاه شغلی	مدیر عملیاتی	۱	۶
	مدیر میانی	۴	۲۷
	مدیر ارشد	۱۰	۶۷

برابر جدول ۱، بیشتر مصاحبه شونده‌گان (۹ نفر) دارای درجه سرهنگی هستند که ۶۰ درصد مصاحبه شونده‌گان را تشکیل می‌دهند. همچنین ۴۷ درصد پاسخگویان با فراوانی ۷ نفر دارای خدمت بالای ۲۵ سال بودند و بیشترین مسئولیت و جایگاه شغلی پاسخگویان مربوط به مدیران ارشد با تعداد ۱۰ نفر است که ۶۷ درصد مصاحبه شونده‌گان را شامل می‌شود. در بخش کمی نیز ویژگی‌های پاسخگویان براساس متغیرهای درجه، تحصیلات، سن، سابقه خدمت و جایگاه خدمتی برابر جدول ۲ خلاصه شد.

جدول ۲. خلاصه ویژگی های جمعیت شناختی بخش کمی (n=۱۶۱)

متغیر	طبقه بندی	فراوانی	درصد
طیف درجه	افسر ارشد	۳۵	۲۲
	افسر جزء	۹۷	۶۰
	درجه دار	۲۹	۱۸
تحصیلات	تا دیپلم	۱۰	۶/۲
	کاردانی	۳۸	۲۳/۶
	کارشناسی	۹۸	۶۰/۹
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۵	۹/۳

۷/۴	۱۲	۲۰ - ۳۰	سن
۵۹/۶	۹۶	۴۰ تا ۳۱	
۳۳	۵۳	۴۱ تا بالاتر	
.	۰	زیر ۵ سال	سابقه خدمت
۳۰	۴۸	۱۰ تا ۵	
۳۱	۵۰	۲۰ تا ۱۱	
۳۹	۶۳	۳۰ تا ۲۱	
۷۲	۱۱۶	کارشناس	جایگاه خدمت
۱۴	۲۲	مدیر عملیاتی	
۱۳	۲۱	مدیر میانی	
۱	۲	مدیر ارشد	

برابر جدول ۲، از همه پاسخگویان پرسش‌نامه، بیشترین تعداد در طیف درجه افسران جزء به تعداد ۹۷ نفر بودند که ۶۰ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. از نظر تحصیلات، ۹۸ نفر پاسخگویان معادل ۶۰/۹ درصد آن‌ها دارای مدرک کارشناسی هستند. همچنین سن ۹۶ نفر پاسخگویان بین ۳۱ تا ۴۰ سال است که معادل ۵۹/۶ درصد کل پاسخگویان است. تعداد ۶۳ نفر از پاسخگویان ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه خدمت دارند که ۳۹ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. از نظر جایگاه شغلی، بیشترین آن‌ها مربوط به کارشناسان با ۱۱۶ نفر معادل ۷۲ درصد پاسخگویان است.

یافته‌های استنباطی: متن مصاحبه با ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان تحلیل شد و در مرحله اول، نکات کلیدی استخراج و براساس واحد کدبندی به هر واحد مدنظر یک کد یا مفهوم الصاق شد. در این مرحله ۱۹۳ کد باز به دست آمد. در مرحله دوم از این تعداد کد، پس از حذف کدهای تکراری و غیرمرتبط، ۶۷ کد باقی ماند. کدهایی که دارای بار معنایی مشابه و متداخل بودند با عنوان یک مقوله واحد، سازماندهی و به این ترتیب ۲۰ مقوله ایجاد شد. در مرحله سوم، کدهایی که دارای معنا و مفهوم مشترک و یکسانی بودند در یکدیگر ادغام و کدهای تکراری حذف شدند. در نهایت

تعداد کدهای اصلی و گزاره‌ها به ۲۹ کد کاهش یافت و این گزاره‌ها پایه و مبنای طراحی پرسش‌نامه پژوهش در مرحله کمی واقع شد (جدول ۳). پس از تحلیل مفاهیم، در قالب مقوله (مفاهیم انتزاعی‌تر) دسته‌بندی شدند. در نتیجه در مجموع ۶ مقوله از میان ۲۹ مفهوم ظهور یافته شکل گرفت (جدول ۴).

جدول ۳. فهرست گزاره‌های مربوط به چالش‌های پی‌جویی سرقت در مدیریت انتظامی

ردیف	چالش‌های پی‌جویی سرقت در مدیریت انتظامی
۱	کافی نبودن تعامل بین بخش‌های مختلف سازمانی نیروی انتظامی با پلیس آگاهی
۲	شفافیت و اطلاعات ناکافی در پرونده‌ها
۳	بانک‌های اطلاعاتی ناکافی در رابطه با سارقان سابقه‌دار و کنترل مجرمان
۴	کافی نبودن امکانات و تجهیزات
۵	کمبود نیروی انسانی و افسر باتجربه و شاخص در امر رسیدگی به پرونده سرقت
۶	نبود انگیزه شغلی و تعصب سازمانی
۷	نبود تعامل کافی بین افسران پی‌جو با فرماندهان
۸	ضعف تخصص و تجربه مدیر
۹	ضعف در آموزش کارکنان
۱۰	ضعف مدیریتی
۱۱	تناسب ناکافی مأموریت‌های واگذاری با توان کارکنان
۱۲	وجود مقررات دست و پاگیر سازمانی
۱۳	سستی عمل کردن و بی‌توجهی به علوم روز
۱۴	نبود حمایت شغلی کافی از افسران پی‌جوی سرقت
۱۵	افشای اطلاعات پرونده
۱۶	کافی نبودن مطالعات علمی آمیخته با تجربه
۱۷	ضعیف بودن تعامل دستگاه قضایی با پلیس آگاهی
۱۸	تعامل ناکافی بسیج و سایر نهادهای امنیتی با پلیس آگاهی
۱۹	تعامل ناکافی اصناف، شهرداری مانند آن‌ها با پلیس آگاهی
۲۰	نبود کانال ارتباطی مؤثر بین پلیس آگاهی با سایر نهادها
۲۱	ضعف همکاری کارشناسان و خبرگان با پلیس آگاهی
۲۲	همکاری ناکافی مردم و شهروندان با پلیس در پی‌جویی سرقت
۲۳	ضعف بانک‌های اطلاعاتی شهری

حمایت ناکافی از پلیس آگاهی از سوی مقامات سیاسی شهر	۲۴
حمایت حقوق شهروندی از متهمان و عدم برخورد جدی با سارقان	۲۵
تناسب نداشتن دستور قضایی با خواسته افسر پرونده	۲۶
اقرارمحور بودن خواسته و صدور حکم قضایی	۲۷
ضعف ابعاد فرهنگی شهر	۲۸
فقدان کانال ارتباطی مؤثر با سایر نهادها	۲۹

مطابق جدول ۳، از ۲۹ گزاره شناسایی شده، ۱۷ گزاره مربوط به چالش‌های درون‌سازمانی و ۱۲ گزاره مربوط به چالش‌های برون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی سرقت هستند.

جدول ۴. مقولات برگرفته از مفاهیم مصاحبه

ردیف	عنوان مقوله ظهور یافته	عنوان مفهوم زیر مجموعه
۱	تعامل	تعامل بین بخش‌های سازمان تعامل افسر تحقیق با فرمانده تعامل دستگاه قضایی با پلیس ضرورت تعامل پلیس با بسیج و نهادهای امنیتی همکاری اصناف، شهرداری و نهادها با پلیس لزوم همکاری کارشناسان و خبرگان خدمات اداری و اطلاعاتی لازم مشارکت مردمی
۲	حمایت	کم‌توجهی به افسران پی‌جو حمایت بیش‌ازحد حقوق شهروندی از متهم تناسب دستور با خواسته افسر تحقیق در پرونده حمایت ناکافی پلیس از سوی مقامات سیاسی شهر
۳	مدیریت	فراهم کردن امکانات و تجهیزات جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص اهمیت انگیزه و تعصب سازمانی وجود ضعف مدیریتی

تجربه و تخصص لزوم استمرار آموزش کارکنان کم توجهی به علوم روز آمیختن تجربه با مطالعات علمی	مهارت	۴
سخت‌گیری مبادی نظارتی تناسب ناکافی مأموریت و واگذاری با توان کارکنان تأکید مقام قضایی بر اقرار متهم	قوانین	۵
وجود اطلاعات کافی و شفافیت تشکیل بانک اطلاعاتی و کنترل مجرمان افشای اطلاعات ابعاد فرهنگی شهر لزوم کانال ارتباطی مؤثر	اطلاعات و ارتباطات	۶

براساس نتایج حاصل از مصاحبه، چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در استان همدان در شش مقوله به شرح زیر، شناسایی شدند.

الف. تعامل: طبق نظر خبرگان از جمله چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در استان همدان، مقوله تعامل است که نتیجه هشت مفهوم «تعامل بین بخش‌های سازمان، تعامل افسر تحقیق با فرمانده، تعامل دستگاه قضایی با پلیس، ضرورت تعامل پلیس با بسیج و نهادهای امنیتی، همکاری اصناف، شهرداری و نهادها با پلیس، لزوم همکاری کارشناسان و خبرگان، خدمات اداری و اطلاعاتی لازم و مشارکت مردمی» است. نمونه‌ای از مصاحبه با خبرگان در این خصوص به این شرح است: «دیگر سازمان‌ها تمایل چندانی برای همکاری با پلیس ندارند و در برقرار نمودن تعامل و ارتباط با آن‌ها، نیروی انتظامی اشتیاق یک طرفه‌ای دارد» (مدیر میانی پلیس آگاهی با ۱۱ تا ۲۰ سال سابقه خدمت).

ب. حمایت: طبق نظر خبرگان از جمله چالش‌های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت در استان همدان، مقوله حمایت است که نتیجه چهار مفهوم «کم توجهی به افسران پی‌جو، حمایت بیش از حد حقوق شهروندی از متهم، تناسب دستور با خواسته افسر

تحقیق در پرونده و حمایت ناکافی پلیس از سوی مقامات سیاسی شهر» است. نمونه‌ای از مصاحبه با خبرگان در این خصوص به این شرح است: «حجم ورودی پرونده‌های سرقت بالاست و حمایت معنوی و مادی چندانی از افسران پی‌جوی سرقت نمی‌شود (مدیر میانی پلیس آگاهی با ۱۱ تا ۲۰ سال سابقه خدمت).

ج. مدیریت: طبق نظر خبرگان از جمله چالش‌های مدیریت انتظامی در پی‌جویی سرقت در استان همدان، مقوله مدیریت است که نتیجه چهار مفهوم «فراهم کردن امکانات و تجهیزات، جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص، انگیزه و تعصب سازمانی و وجود ضعف مدیریتی» است. نمونه‌ای از مصاحبه با خبرگان در این خصوص به این شرح است: «گاهی اوقات افسران پرونده به خاطر حجم زیاد پرونده‌ها، خودشان تمایل چندانی ندارند که پرونده را دنبال کنند و سعی می‌کنند پرونده زودتر تحویل دادسرا شود و رسید بگیرند (مدیر ارشد پلیس آگاهی و کارآگاه مبارزه با سرقت با ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه خدمت).

د. مهارت: طبق نظر خبرگان از جمله چالش‌های مدیریت انتظامی در پی‌جویی سرقت در استان همدان، مقوله مهارت است که نتیجه چهار مفهوم «اهمیت تجربه و تخصص، لزوم استمرار آموزش کارکنان، کم‌توجهی به علوم روز و آمیختن تجربه با مطالعات علمی» است. نمونه‌ای از مصاحبه با خبرگان در این خصوص به این شرح است: «با توجه به درجه و سطح سواد دانشگاهی برخی افسران انتظاراتی می‌رود که برآورده نمی‌شود چون که تجربه‌شان کم است و آموزش‌های جدیدی نمی‌بینند (مدیر میانی پلیس آگاهی و کارآگاه مبارزه با سرقت با ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه خدمت).

ه. قوانین: طبق نظر خبرگان از جمله چالش‌های مدیریت انتظامی در پی‌جویی سرقت در استان همدان، مقوله قوانین است که نتیجه سه مفهوم «سختگیری مبادی نظارتی، تناسب ناکافی مأموریت و‌اگذاری با توان کارکنان و تأکید مقام قضایی بر اقرار متهم» است. نمونه‌ای از مصاحبه با خبرگان در این خصوص به این شرح است: «مأموریت‌های جانبی و غیرمرتبط با موضوع سرقت از طرف سلسله‌مراتب به افسران پرونده واگذار می‌شود

که متناسب با توان کارکنان نیست» (مدیر میانی پلیس آگاهی با ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه خدمت).

و. اطلاعات و ارتباطات: طبق نظر خبرگان از جمله چالش‌های مدیریت انتظامی در پی‌جویی سرقت در استان همدان، مقوله اطلاعات و ارتباطات است که نتیجه پنج مفهوم «وجود اطلاعات کافی و شفافیت، تشکیل بانک اطلاعاتی و کنترل مجرمان، افشای اطلاعات، ابعاد فرهنگی شهر و لزوم کانال ارتباطی مؤثر» است. نمونه‌ای از مصاحبه با خبرگان در این خصوص به این شرح است: «گاهی مأموران یا مسئولان، نحوه وقوع یا کشف سرقت و نحوه دستگیری سارق پرونده را افشا می‌کنند» (مدیر ارشد پلیس آگاهی و کارآگاه مبارزه با سرقت با ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه خدمت).

در راستای پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر اینکه: «چالش‌های درون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت کدام‌اند؟»، ابتدا مطالعه اکتشافی صورت گرفت که طی آن، نظرها و دیدگاه‌های کارآگاهان و خبرگان در حوزه پی‌جویی سرقت در زمینه چالش‌های درون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت و راهکارهای پیشنهادی برای کنترل و مدیریت کردن آن گردآوری شد. در فرایند تحلیل محتوای کیفی، ۱۶ گزاره مختلف درباره چالش‌های درون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت در استان همدان استخراج شد و مبنای طراحی پرسش‌نامه محقق‌ساخته مرحله کمی پژوهش قرار گرفت. پرسش‌نامه یادشده به‌روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بین سه گروه از افسران ارشد، افسران جزء و درجه‌داران پلیس آگاهی استان همدان توزیع و جمع‌آوری شد. یافته‌ها بیانگر آن است که پاسخگویان از ۱۶ گزاره استخراج‌شده، ۱۳ گزاره را در سطح بالا و ۳ گزاره را در سطح متوسط تأیید می‌کنند؛ بنابراین براساس نتایج برآمده از یافته‌های توصیفی، چالش‌های درون‌سازمانی مدیریت انتظامی پی‌جویی سرقت به شرح زیر است:

۱. کافی نبودن تعامل بین بخش‌های مختلف سازمانی نیروی انتظامی با پلیس آگاهی؛
۲. شفافیت و اطلاعات ناکافی در پرونده‌های مورد رسیدگی؛
۳. بانک‌های اطلاعاتی ناکافی در رابطه با سارقان سابقه‌دار و کنترل مجرمان؛

۴. کافی نبودن امکانات و تجهیزات پی‌جویی جرم؛
۵. کمبود نیروی انسانی و افسر باتجربه و شاخص در رسیدگی به پرونده‌های سرقت؛
۶. نبود انگیزه شغلی و تعصب سازمانی؛
۷. ضعف مدیریتی؛
۸. تناسب ناکافی بین مأموریت‌های واگذاری با توان کارکنان؛
۹. وجود مقررات دست و پاگیر سازمانی؛
۱۰. سنتی عمل کردن و بی‌توجهی به علوم روز؛
۱۱. حمایت شغلی ناکافی از افسران پی‌جوی سرقت؛
۱۲. افشای اطلاعات پرونده‌ها؛
۱۳. کافی نبودن مطالعات علمی آمیخته با تجربه؛
۱۴. نبود تعامل کافی بین افسران پی‌جو با فرماندهان؛
۱۵. ضعف تخصص و تجربه مدیر؛
۱۶. ضعف در آموزش کارکنان.

جدول ۵. آزمون تی تک نمونه‌ای برای آزمون بخش توصیف پرسش اول

انحراف از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پرسش اول
۰/۰۸۲۶۵	۱/۰۴۸۷۳	۴/۰۱۲۴	۱۶۱	چالش‌های درون‌سازمانی تا چه حد مدیریت انتظامی را در کشف جرم به چالش می‌کشاند؟

جدول ۶. آزمون تی تک نمونه‌ای برای آزمون بخش تحلیل پرسش اول

پرسش اول	Test Value = 0					
	ضریب تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	ضریب تفاوت از میانگین	
					کمترین	بیشترین
چالش‌های درون‌سازمانی تا چه حد مدیریت انتظامی را در کشف جرم به چالش می‌کشاند؟	۰/۵۴۶ ۴۸	۱۶۰	۰/۰۰۰	۴/۰۱۲۴۲	۳/۸۴۹۲	۱/۱۷۵۷ ۴

براساس نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جداول ۵ و ۶، درخصوص پرسش اول پژوهش مبنی بر اینکه: «چالش‌های درون‌سازمانی تا چه حد مدیریت انتظامی را در کشف جرم به چالش می‌کشاند؟»، نشان می‌دهد که آزمون تی مشاهده‌شده (۴/۰۱) از میانگین نظری تی (M=3) بیشتر است؛ بنابراین با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان بیان کرد که از نظر کارشناسان، چالش‌های درون‌سازمانی در حد زیادی، مدیریت انتظامی استان همدان را در پی‌جویی سرقت و کشف جرم به چالش می‌کشاند.

همچنین در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر اینکه: «چالش‌های برون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت کدام‌اند؟»، ابتدا مطالعه اکتشافی صورت گرفت و پس از گردآوری نظرات و دیدگاه‌های کارآگاهان، متخصصان و خبرگان در حوزه پی‌جویی سرقت در زمینه چالش‌های برون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت و راهکارهای پیشنهادی برای کنترل و مدیریت کردن آن، در فرایند تحلیل محتوای کیفی، ۱۳ گزاره مختلف درباره چالش‌های برون‌سازمانی مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت در استان همدان استخراج و مبنای طراحی پرسش‌نامه محقق‌ساخته در مرحله بعدی پژوهش قرار گرفت. یافته‌های به‌دست‌آمده از داده‌ها بیانگر آن است که پاسخگویان از ۱۳ گزاره استخراج‌شده، ۱۰ گزاره را در سطح بالا و ۲ گزاره را در سطح متوسط تأیید کردند و یک گزاره را به‌عنوان چالش برون‌سازمانی مؤثر در پی‌جویی سرقت ندانستند. براساس نتایج برآمده از یافته‌های توصیفی، چالش‌های برون‌سازمانی مدیریت انتظامی پی‌جویی سرقت به شرح زیر است:

۱. ضعف تعامل دستگاه قضایی با پلیس آگاهی؛
۲. ضعف تعامل بسیج و سایر نهادهای امنیتی با پلیس آگاهی؛
۳. نبود کانال ارتباطی مؤثر پلیس آگاهی با سایر نهادها؛
۴. ضعف همکاری کارشناسان و خبرگان با پلیس آگاهی؛
۵. ضعف همکاری مردم و شهروندان با پلیس در پی‌جویی سرقت؛
۶. ضعف بانک‌های اطلاعاتی؛

۷. حمایت بیش از حد حقوق شهروندی از متهمان و عدم برخورد جدی با سارقان؛
۸. تناسب نداشتن دستور قضایی با خواسته افسر پرونده؛
۹. اقرارمحور بودن خواسته و صدور حکم قضایی؛
۱۰. فقدان کانال ارتباطی مؤثر با سایر نهادها؛
۱۱. ضعف ابعاد فرهنگی شهر؛
۱۲. تعامل ناکافی اصناف، شهرداری و مانند آن‌ها با پلیس آگاهی.

جدول ۷. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای بخش توصیف پرسش دوم

پرسش دوم	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
چالش‌های برون‌سازمانی تا چه حد مدیریت انتظامی را در کشف جرم به چالش می‌کشاند؟	۱۶۱	۳/۷۸۲۶	۱/۱۶۰۲۶	۰/۰۹۱۴۴

جدول ۸. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای بخش تحلیل پرسش دوم

پرسش دوم	Test Value = 0					
	ضرب تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	ضریب تفاوت از میانگین	
					کمترین	بیشترین
چالش‌های برون‌سازمانی تا چه حد مدیریت انتظامی را در کشف جرم به چالش می‌کشاند؟	۴۱/۳۶۷	۱۶۰	۰/۰۰۰	۳/۷۸۲۶	۳/۶۰۲۰	۳/۹۶۳۲

براساس نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جداول شماره ۷ و ۸، در خصوص این که «چالش‌های برون‌سازمانی تا چه حد مدیریت انتظامی را در کشف جرم به چالش می‌کشاند؟»، نشان می‌دهد که آزمون تی مشاهده‌شده (۳/۷۸) از میانگین نظری تی ($M=3$) بیشتر است؛ بنابراین با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان بیان داشت که از نظر کارشناسان، چالش‌های برون‌سازمانی بیش از حد متوسط، مدیریت انتظامی استان همدان را در پی‌جویی سرقت و کشف جرم به چالش می‌کشاند.

نتایج آزمون فریدمن: آزمون فریدمن مشخص می کند که برطرف کردن چالش های درون سازمانی مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت باید در اولویت اول پلیس آگاهی در کشف جرم سرقت قرار گیرد و برطرف کردن چالش های برون سازمانی مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت باید در اولویت دوم پلیس آگاهی در کشف جرم سرقت قرار گیرد.

جدول ۹. آزمون فریدمن برای بررسی اولویت چالش ها

ردیف	مؤلفه	جایگاه اولیتهی	رتبه و اولویت
۱	چالش های درون سازمانی	۲/۱۰	اول
۲	چالش های برون سازمانی	۱/۹۱	دوم
ضریب آزمون معناداری $\chi^2 = ۴/۰۴۷$ سطح معناداری $P < ۰/۰۱$			

نتایج تحلیل رگرسیون: به منظور تبیین میزان تأثیر چالش های درون و برون سازمانی در به چالش کشیدن مدیریت انتظامی استان همدان در پی جویی سرقت و کشف جرم، از تحلیل چندمتغیره رگرسیون چندگانه به روش گام به گام برای مدل سازی و شناخت میزان بتاها استفاده شد. ضریب همبستگی چندگانه آن ها برابر $R = ۰/۴۱۴$ با ضریب تبیین $R^2 = ۰/۱۷۱$ و ضریب تبیین خالص برابر $R^2 = ۰/۱۶۸$ هستند.

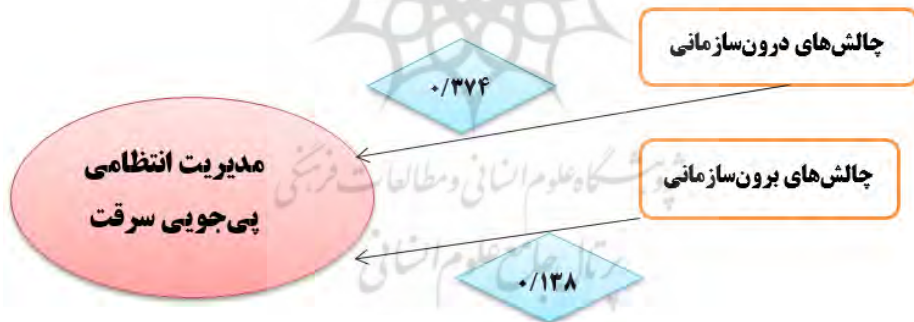
جدول ۱۰. نتایج محاسبه ضریب همبستگی چندگانه

خطای استاندارد برآورد	ضریب تبیین خالص	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه
۱/۲۲۱۷۸	۰/۱۶۸	۰/۱۷۱	۰/۴۱۴a
چالش های مدیریت انتظامی در پی جویی سرقت و کشف جرم	متغیر ملاک		

جدول ۱۱. ضرایب متغیرهای پیش‌بین باقیمانده در شکل رگرسیونی به‌روش گام به گام

سطح معناداری	مقدار تی	ضرایب استاندارد شده	ضرایب خام		ترتیب ورود متغیرهای پیش‌بین در شکل
		مقدار بتا	خطای استاندارد	مقدار بتا	
۰/۰۰۰	۳/۶۱۲	--	۰/۲۷۱	۰/۹۷۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۹۳۸	۰/۳۷۴	۰/۰۵۴	۰/۴۷۹	چالش‌های درون‌سازمانی
۰/۰۰۱	۳/۲۹۸	۰/۱۳۸	۰/۰۴۸	۰/۱۶۰	چالش‌های برون‌سازمانی

بر پایه ضرایب بتاهای استاندارد نشده، ملاحظه می‌شود مقدار ثابت (α) برابر ۰/۹۷۸، چالش‌های درون‌سازمانی با بتای $\beta = ۰/۳۷۴$ و چالش‌های برون‌سازمانی با بتای $۰/۱۳۸ = \beta$ ، معنادار بوده و سهم مهمی در به‌چالش کشیدن مدیریت انتظامی استان همدان در پی‌جویی سرقت و کشف جرم دارند؛ بنابراین می‌توان مدل نظری را به‌صورت شکل ۱، نمایش داد.



شکل ۱. مدل روابط تبیینی چالش‌های درون و برون‌سازمانی پلیس آگاهی در پی‌جویی سرقت

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، چالش‌های مدیریت انتظامی در پی‌جویی جرائم سرقت در استان همدان در رابطه با شش مقوله اصلی شامل: ۱- تعامل، ۲- حمایت، ۳- مدیریت، ۴- مهارت، ۵- قوانین و ۶- اطلاعات و ارتباطات است که لازم است این نتایج با پیشینه پژوهش مقایسه

شود. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش منفرد (۱۳۹۷) همسو است که چالش‌های درون‌سازمانی پلیس آگاهی نیروی انتظامی در کشف جرم (در پژوهش‌های یادشده، جعل اسناد)، شامل ضعف آموزش، کمبود نیروی انسانی، ضعف‌های ساختاری، کمبود تجهیزات فنی و آزمایشگاهی است. چالش‌های برون‌سازمانی شامل مواردی مانند ضعف اسناد رسمی به لحاظ دارا بودن موارد امنیتی در ساخت، ناآگاهی بزه‌دیدگان از وجود نکات امنیتی در اسناد و تعاملات ناکافی سازمان‌ها با پلیس در تهیه اسناد و آگاه‌سازی افراد است که در این پژوهش نیز مشاهده شد. از سوی دیگر نتایج این پژوهش تأییدی بر یافته‌های پژوهشی داداش‌تبار احمدی (۱۳۹۶) است که چالش‌های مدیریت انتظامی در تأمین امنیت عمومی گردشگران تحت تأثیر عوامل انسانی، کمبود تجهیزات، عامل زمینه‌ای و فرهنگی است. همچنین نتایج این پژوهش در راستای یافته‌های حسین‌نژاد (۱۳۹۴) است که فناوری‌های جدید در افزایش کشف جرائم پلیس آگاهی مؤثر است، ولی چالش‌های زیادی در به‌کارگیری آن مشاهده می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعه گزافی (۱۳۹۴) همسو است که برای رفع چالش‌های پلیس آگاهی در پی جوی سرقت باید توانمندی کارآگاهان را در کشف جرم در سه سطح تخصص، مهارت و آموزش افزایش داد و نیز توانمندی پلیس آگاهی را در استفاده از مدیریت شبکه‌ای اطلاعات جنایی پلیس آگاهی باهدف تعیین میزان تأثیر مدیریت شبکه‌ای اطلاعات جنایی پلیس آگاهی در کشف جرائم جنایی با چهار کارکرد «تجزیه و تحلیل اطلاعات»، «اقدامات فنی - مخابراتی»، «نیروی انسانی ماهر و مجرب»، و «ستاده بانک‌های اطلاعاتی درون و برون‌سازمانی» افزایش داد. در نهایت نتایج این پژوهش به‌درستی یافته‌های پژوهش‌های بهرامی (۱۳۹۲)، شش‌یگانی (۱۳۹۲) و بهمنش (۱۳۸۴) را تأیید می‌کند که: چالش‌های پلیس آگاهی در مبارزه با جرائم (اقتصادی) عبارت‌اند از فقدان تعریف مشخص از جرائم اقتصادی در قوانین کشور، وجود خلأهای قانونی، تعدد سازمان‌های مبارزه‌کننده با جرائم اقتصادی، تعادل نامناسب بین سازمان‌های مبارزه‌کننده، نبود یک ساختار و سازمان مستقل با اختیارات قانونی به‌عنوان متولی مبارزه با جرائم اقتصادی. از جمله چالش‌های درون‌سازمانی نیز بی‌توجهی به فنون نوین

بازجویی بر فرایند کشف جرائم است. چالش دیگر در حوزه برون‌سازمانی استفاده از بانک‌های اطلاعاتی سایر سازمان‌ها در عملیات کشف جرم و کاهش تلفات انسانی و تجهیزات پلیس آگاهی است. چالش دیگر در کشف جرم ضعف در استفاده از بانک‌های اطلاعات مجرمان و ضعف در فنون مصاحبه و بازجویی است.

پیشنهادها: براساس نتایج پژوهش، برای از بین بردن چالش‌های درون‌سازمانی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. به منظور هم‌افزایی در راستای کشف و افزایش تعامل و مسئول‌سازی پلیس‌های تخصصی و به کارگیری بیشینه توان پشتیبانی فنی و اطلاعاتی آن‌ها، از ظرفیت قرارگاه مرکزی مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استفاده شود؛
۲. معاونت مبارزه با سرقت پلیس آگاهی با همکاری اداره اطلاعات جنایی نسبت به راه‌اندازی و ایجاد بانک اطلاعاتی یکپارچه سارقان غیربومی اقدام کنند تا اطلاعات لازم از همه استان‌ها، نظیر تصاویر، شیوه و شگرد، خودرو و تجهیزات سارقان، جمع‌آوری شود و ظرفیت تبادل اطلاعات بین استانی و تعامل و کنترل مجرمان توسط تمام استان‌ها ارتقا یابد؛
۳. ادارات اطلاعات جنایی به طور مستمر آخرین شیوه و شگرد ارتکاب سرقت توسط سارقان و روش‌های پی‌جویی و کشف آن‌ها را شناسایی کنند و برای آموزش و تبادل اطلاعات در اختیار ادارات مبارزه با سرقت قرار دهند؛
۴. با توجه به شرایط زمانی و مکانی، نیازمندی‌های تجهیزاتی و نیروی انسانی، احصا و نسبت به فراهم کردن آن‌ها در پلیس آگاهی سراسر کشور اقدام شود؛
۵. ضمن بازنگری و اصلاح ساختار سازمانی، ارتقای مزایای شغلی و عملیاتی شدن مشاغل ادارات مبارزه با سرقت برای افزایش تقاضا و انگیزه کارکنان و افسران پی‌جو در امر مبارزه با سرقت دنبال شود؛
۶. به جای استفاده از افسران پی‌جو در سایر مأموریت‌های غیرمرتبط با کشف و پی‌جویی سرقت، با جایگزینی سایر کارکنان ستادی و اداری، مأموریت‌ها متناسب با توان کارکنان واگذار شود؛

۷. قوانین و مقررات سازمانی مؤثر در مراحل پی‌جویی یا مؤثر در به‌کارگیری روش‌های پی‌جویی براساس واقعیت‌ها و لحاظ کردن شرایط شغلی کارکنان و جغرافیایی منطقه اصلاح شود؛
۸. به‌منظور جلوگیری از افشای محتوای اطلاعات مربوط به اقدامات اطلاعاتی، فنی و پلیسی پرونده‌ها در ارسال گزارش به مراجع قضایی و محدودشدن دسترسی افراد غیرمرتبط در پی‌جویی (کارکنان دادسرا، وکلا، کارکنان پلیس و مانند آن‌ها)، فرایندهای تبادل اطلاعات اصلاح و وحدت رویه مناسب ایجاد شود؛
۹. استمرار برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای کارکنان شاغل در ادارات مبارزه با سرقت به‌منظور به‌روزرسانی آموزش کارکنان و تربیت افسران شاخص و باتجربه در رسیدگی به پرونده‌های سرقت، دنبال شود؛
۱۰. معاونت آموزش نیروی انتظامی با همکاری معاونت آموزش و مرکز تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی با جمع‌آوری تجربیات موفق کارکنان در امر پی‌جویی سرقت و همچنین شناسایی سایر روش‌های علمی و نوین پی‌جویی؛ متون آموزشی لازم را تهیه کنند و در اختیار دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین و سایر مراکز آموزشی به‌منظور تدریس و به‌روزرسانی دانش کارکنان قرار دهند.
۱۱. ترغیب کارکنان به یادگیری علوم روز و آموزش روش‌های پی‌جویی شامل تشکیل گروه‌های عملیاتی و واحدهای تخصصی، استفاده از منابع و مخبرین، استفاده از مدارک و ادله تصویری، استفاده از روش‌های پلیس علمی و مدارک و ادله جنایی، استفاده از تجهیزات روز، استفاده از تجربیات کارکنان و پرهیز از به‌کارگیری روش‌های سنتی.
۱۲. توجه به تخصص، تجربه و توانمندی‌های مدیریتی مدیران انتظامی دخیل در پی‌جویی و کشف جرائم سرقت.
- و برای از بین بردن چالش‌های برون‌سازمانی پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱. استقرار شعبه قضایی ویژه رسیدگی کننده به پرونده‌های سرقت در پلیس آگاهی مراکز استان و شهرهای بزرگ و برگزاری جلسه تعامل قضایی و تأکید بر صدور دستورات قضایی متناسب با خواسته افسر پی‌جوی سرقت؛
۲. افزایش تعامل پلیس آگاهی با بسیج و سایر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی؛
۳. افزایش تعامل پلیس آگاهی با اصناف و شهرداری‌ها؛
۴. جلب همکاری سایر نهادها در ارائه خدمات اطلاعاتی یا اداری لازم در پی‌جویی سرقت؛
۵. جلب همکاری کارشناسان و خبرگان با پلیس آگاهی؛
۶. ارتباط و همکاری مردم و شهروندان با پلیس در پی‌جویی سرقت؛
۷. ارتقاء بانک‌های اطلاعاتی شهری با همکاری نهادهای مرتبط.

سپاسگزاری

از ریاست محترم دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی امین و همچنین کارکنان معاونت‌های پژوهش و آموزش این دانشکده که در به انجام رسیدن این پژوهش کمال همکاری با نویسندگان را داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- احمدی، حبیب؛ معینی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۱)، ۱-۲۴. https://ssoss.ui.ac.ir/article_17124.html
- اصانلو، علی؛ بیات، ناصر؛ زیدی‌زاده غلامرضا. (۱۳۹۹). چالش‌های تعاملی پلیس و شهرداری در پیشگیری اجتماعی از سرقت منزل (مطالعه موردی شهر اهواز). فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱۲(۲)، ۱۷۳-۱۹۶.
- http://sopra.jrl.police.ir/article_94364.html
- امینی، صابر؛ صالحی، میلاد. (۱۳۹۴). پی‌جویی سرقت‌های منزل، مغازه و اماکن. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

بهرامی، سهراب. (۱۳۹۲). چالش‌های پلیس آگاهی در مبارزه با جرائم اقتصادی. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین].
 بهمنش، حسین. (۱۳۸۴). عوامل سازمانی مؤثر در کشف سرقت منازل ارومیه در سال ۸۳ [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین].

بیابانی، غلامحسین؛ ستوده گندشمین، مجتبی. (۱۳۹۹). الگوی ارتقای توان مدیریت جرم سرقت با رویکرد اطلاعات جنایی. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۵(۲)، ۳۵۹-۳۸۲.
http://pmsq.jrl.police.ir/article_94356.html

حسین‌نژاد، سهراب. (۱۳۹۴). بررسی نقش فناوری‌های جدید در افزایش کشف جرائم پلیس آگاهی، مورد مطالعه جرائم خشن استان خوزستان با تأکید بر سرقت‌های مسلحانه در سال ۹۳. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین].

حسینی، سید حسین، صفری، صادق. (۱۳۹۴). نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب و پیشگیری از جرائم جنسی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۱)، ۱۴۷-۱۶۷.
https://jclr.atu.ac.ir/article_1447.html

دعاگویان، داود، سواری‌پور، فضل‌الله. (۱۳۹۵). تبیین آسیب‌های شغلی مأموران آگاهی در پی جوی قتل‌های خانوادگی. فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۱(۴۱)، ۱۰۳-۱۲۰.
http://icra.jrl.police.ir/article_18170.html

شش‌یگانی، محمد. (۱۳۹۲). تأثیر تکنیک‌های نوین بازجویی بر فرایند کشف جرائم در حوزه سرقت وسائط نقلیه، مورد مطالعه پلیس آگاهی تهران بزرگ. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین].

کشفی، سیدسعید و امینی خانه برق. (۱۳۹۴). ادله اثبات دعاوی کیفری با تأکید بر نقش پلیس. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

گزافی، سعدالله. (۱۳۹۴). ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی پلیس آگاهی در کشف خودروهای مسروقه تهران در سال ۱۳۹۱. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین].

منفرد، ابوطالب. (۱۳۹۷). چالش‌های ساختاری نیروی انتظامی در مقابله با قاچاق سازمان‌یافته کالا. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین].

نورمحمدزاده، علی؛ یاوری، امیرحسین. (۱۳۹۸). نقش پلیس اطلاعات‌محور در جرم‌یابی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای. فصلنامه علمی کارآگاه، ۱۲(۴۸)، ۷-۲۷.

http://det.jrl.police.ir/article_92987.html

هاتفی اردکانی، حسین. (۱۳۸۴). پی‌جویی سرقت. تهران: مؤسسه انتشاراتی جهان جام جم. یزدانی، محمدحسن؛ فیروزی مجنده، ابراهیم؛ هاشمی، جواد. (۱۳۹۷). بررسی الگوی پراکنش فضایی جرائم سرقت در شهر اردبیل به‌منظور شناسایی کانون جرم‌خیز سرقت. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. ۱۳۹۷(۲۲)، ۱۳۷-۱۶۴.

http://pogra.jrl.police.ir/article_18714.html

Burraston, Bert, Watts, Stephen J., McCutcheon, James C., Province, Karli. (2019). Relative Deprivation, Absolute Deprivation, and Homicide: Testing an Interaction Between Income Inequality and Disadvantage. *Homicide Studies*. 23(1), 3-19. <https://doi.org/10.1177/1088767918782938>

Ha, T., Oh, G. & Park, H. (2015). Comparative analysis of Defensible Space in CPTED housing and non-CPTED housing. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 43(4), pp 496-511.

<https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2014.11.005>

Miyamoto, Yuri. (2017). Culture and social class. *Current Opinion in Psychology*. 18, 67-72.

<https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.07.042>

Moreira. Gustavo; Ceccato. Vania. (2012). Testing theft transmission in and around São Paulo metro stations, Brazil. *Journal of Transport Geography*. Volume 94, June 2021, 103116. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2021.103116>